

## بررسی فقهی بغی در فضای مجازی<sup>۱</sup>

سید مجتبی حسین‌نژاد\*

### چکیده

وقوع بغی در فضای مجازی و اجرای احکام بغی بر باغیان از طریق فضای مجازی، می‌تواند از مسائل مستحدثه و چالش‌برانگیز در عصر حاضر تلقی شود. سؤالات مهمی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارتند از: آیا تحقق بغی در فضای مجازی عملاً ممکن است؟ بر فرض امکان، آیا بغی مجازی صلاحیت برای اجرای احکام بغی را دارا می‌باشد؟ بر فرض صلاحیت، دلیل مشروعیت تسری احکام بغی بر بغی مجازی چیست؟ پس از فحص و بررسی باید گفت: اولاً؛ حتی اگر تمامی شرایط تحقق بغی مذکور در سخنان فقها را بپذیریم، هیچ منعی در تحقق بغی مجازی نیست. ثانیاً؛ بغی مجازی صلاحیت برای اجرای احکام بغی را دارا می‌باشد. ثالثاً؛ اگرچه اصل اولی با توجه به مقتضای ادله لفظیه‌ای چون قاعده درء و بنای حدود بر تخفیفات و احتیاط در دما و یا با توجه به مقتضای اصل برائت، اجرا نکردن احکام بغی بر باغیان مجازی است، منتها باید در نظر داشت، با توجه به ورود آیات و روایات دلالت‌کننده بر احکام بغی به نحو قضیه حقیقه و نیز وارد بودن این ادله‌ای چون قاعده درء، بنای حدود بر تخفیفات و اصل برائت، می‌توان به اطلاق این دسته از ادله تمسک نمود و احکام بغی را بر باغیان مجازی جاری نمود.

**کلید واژه‌ها:** بغی، فضای مجازی، احکام شرعی، قاعده اولیه، قاعده ثانویه.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۲

\* استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی موسسه آموزش عالی پارسا، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

## ۱- طرح بحث

پیشرفت سریع اینترنت و فناوری اطلاعات گذشته از داشتن مزایای انکارناپذیر، همواره معایبی را هم به همراه داشته است. یکی از مهمترین این معایب در بخش سیاست، تشویش اذهان عمومی بر علیه حکومت است. چه بسا ممکن است بعضی از افراد بواسطه مدیریت سایت‌ها، وبلاگ‌ها و یا با حضور در شبکه‌های اجتماعی چون تلگرام، اینستاگرام، ویبر، تویتر، واتس‌آپ و دیگر امکانات فضای مجازی موجب بر هم زدن تعادل روحی- روانی افراد جامعه و ایجاد بدبینی آنها نسبت به نظام و مسؤولان جامعه، باعث انحراف افکار مردم شده و زمینه را برای شورش مردم بر علیه نظام اسلامی فراهم کنند. سؤالات مهمی که در اینجا مطرح است، این است که آیا فعالیت این دسته از افراد در فضای مجازی همچون نوع سنتی از باب اینکه هدایت‌گران این سایت‌ها و وبلاگ‌ها به قصد براندازی حکومت، مرتکب این نوع از اعمال می‌شوند، به عنوان بغی شمرده می‌شود؟ در صورت امکان تحقق بغی در فضای مجازی، آیا بغی مجازی قابلیت برای اجرای احکام بغی در فضای واقعی را دارد؟ در صورت قابلیت داشتن بغی در فضای مجازی برای اجرای احکام بغی، آیا می‌توان احکام بغی در فضای واقعی را به آن تسری داد؟ پاسخ به سؤال سوم که به عنوان سؤال اصلی این تحقیق شمرده می‌شود، متوقف بر پاسخ به سؤالات اول و دوم است. یعنی پس از اینکه بغی در فضای مجازی عملاً ممکن شد و صلاحیت برای اجرای احکام بغی را داشته باشد، آن وقت می‌توان بحث نمود که آیا با این اوصاف می‌توان احکام بغی سنتی را به بغی مجازی از تسری داد. جستار حاضر بر آن است که با تعمق در ادله و مستندات، به این سؤالات پاسخ دهد. البته لازم به ذکر است که اگر گروهی از افراد توسط یک سری از سایت‌ها و مطالب موجود در فضا، از اطاعت امام خارج شوند و دست به قیام مسلحانه بر علیه نظام بزنند، شکی در شمرده شدنشان از باغیان-البته در صورت تحقق شرائط بغی- نیست، بلکه آنچه که در اینجا مبهم است اینکه آیا گردانندگان این دسته از سایت‌ها و وبلاگ‌ها در فضای مجازی هم به عنوان باغی شمرده می‌شوند یا نه؟

در رابطه با موضوع این تحقیق، با وجود اینکه می‌تواند از مسائل چالش برانگیز و محل شبهه باشد، تا به حال تحقیقی صورت نگرفت و به جرأت می‌توان گفت تحقیق حاضر، اولین تحقیق مستقل در این زمینه است. نگارنده در تحقیق حاضر، پس از تبیین امکان وقوع بغی در فضای مجازی و تطبیق احکام شرعی

بغی بر باغیان مجازی، به تحلیل و بررسی مستندات تطبیق حکم شرعی بغی در فضای واقعی با بغی در فضای مجازی می‌پردازد.

## ۲- فضای مجازی

در رابطه با تبیین فضای مجازی، تعاریف مختلفی ارائه شده است، شاید بهتر باشد که به عنوان تعریف جامع و کامل‌تری، فضای مجازی و سایبری را این گونه تعریف کنیم: «فضای مجازی محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع و واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد».

قید واقعی، مانع از آن است که تصور شود مجازی بودن این فضا به معنای غیرواقعی بودن آن است؛ چرا که در این فضا نیز همان ویژگی‌های تعاملات انسانی در دنیای خارج همچون مسؤولیت وجود دارد، ضمن اینکه فضای سایبر در واقع یک محیطی است که ارتباطات در آن انجام می‌شود؛ نه صرف مجموعه‌ای از ارتباطات. از سوی دیگر، این ارتباطات اگرچه ممکن است در همه شرائط آنلاین نباشند، ولی زنده و واقعی و مستقیم است. از این رو، تأثیر و تأثر بالایی در این روابط رخ می‌دهد (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴، ۴۴).

واژه سایبر به فناوری رایانه و الکترونیک محور اشاره دارد. فضای سایبر نیز یک قلمرو عملیاتی تنظیم شده به وسیله استفاده از علم الکترونیک است تا اطلاعات را از طریق سیستم‌های به هم پیوسته و زیر ساخت‌های مرتبط با آن مورد بهره‌برداری قرار دهد (همان).

## ۳- ماهیت بغی و شرایط تحقق آن با تطبیق بر فضای مجازی

بغی در لغت در معانی متعددی چون حسد، کبر، طلب، دروغ، ظلم، تجاوز، فساد و عدول از حق آمده است (جوهری، ۱۴۲۰، ۶؛ ۲۲۸۱؛ کافی‌الکفاه، ۱۴۱۴، ۱۴۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۳۶-۱۳۷). در قرآن کریم نیز بغی در سه معنا استعمال شده است که عبارتند از:

۱- به معنای درخواست و طلب به حق و مشروع؛ از جمله این آیات می‌توان به آیه ۷۷ سوره قصص و ۶۴ سوره کهف اشاره نمود.

۲- به معنای ظلم و تجاوز و تعدی؛ از جمله این آیات می‌توان به آیه ۲۷ سوره شوری و آیه ۱۷۳ سوره بقره و نیز آیه ۹ سوره حجرات اشاره نمود.

۳- به معنای فجور و عمل منافی عفت؛ واژه بغی در آیه ۲۰ سوره مریم «لَمْ أَكُ بَغِيًّا» در این معنا استعمال شده است.

راغب اصفهانی بغی را با توجه به استعمال آن در قرآن کریم، در مجموع بر دو گونه دانسته است: ۱- بغی پسندیده که گذر از عدل به سوی احسان و از واجبات به سوی مستحبات است. ۲- بغی ناپسند که تجاوز از حق به سوی باطل یا شبهات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۳۶-۱۳۷).

بررسی معنای لغوی بغی بسی طولانی است، ولی در مجموع می‌توان گفت: در میان سه معنایی که برای واژه بغی در قرآن کریم بیان شده است، نیز در میان دو معنایی که راغب آن را استنتاج نموده است، معنای دوم همسو با بغی مصطلح در میان فقها است.

در اصطلاح نیز بغی به کسانی گفته می‌شود که بر ضد امام عادل شورش کنند و بیعت با او را بشکنند و با اوامر او مخالفت کنند که امام می‌تواند با او بجنگد (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۶؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۰۵؛ راوندی، ۱۴۰۵، ۱، ۳۶۳؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۰۰). این دسته از فقها تحقق بغی را منحصر در خروج از اطاعت امام معصوم (ع) نمی‌دانند، بلکه حتی اگر بر امام عادل غیرمعصوم نیز خروج صورت گیرد، بغی حاصل می‌شود. در مقابل این نظریه، عده‌ایی از فقها همچون شهید اول (۱۴۱۰، ۸۳)، شهید ثانی (۱۴۱۰، ۲، ۴۰۷)، محقق اردبیلی (۱۴۰۳، ۷، ۵۲۴) تحقق جرم بغی را منحصر در خروج از اطاعت امام معصوم (ع) دانسته و معتقدند که این جرم در ایام غیبت صورت نمی‌گیرد. ولی باید در نظر داشت، مقتضای اطلاق آیه و روایات وارده در این زمینه به گونه‌ای است که بغی را مختص به خروج از اطاعت امام معصوم ندانسته است، بلکه مواردی که در رأس گروه حق امام غیرمعصوم عادل باشد، مشمول اطلاقات این ادله است. عبارت آیه ۹ سوره حجرات که مهمترین دلیل از آیه قرآن در تبیین ماهیت بغی و احکام آن است (جصاص، ۱۴۰۵، ۵، ۲۸۰؛ عوده، ۱۴۱۳، ۲، ۶۷۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۲۳؛ جزیری و جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۹، ۵، ۴۱۷)، چنین است:

هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پرداختند، در میان آنها صلح برقرار سازید؛ و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کند، با طایفه‌ی ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد. هرگاه در میان آن دو بر طبق عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.

از جمله روایات نیز می‌توان به دو روایت ذیل اشاره نمود:

۱- وهب بن وهب از امام صادق(ع) و آن بزرگوار نیز از پدرش امام محمد باقر(ع) نقل می‌کند: قتل (کشتن) دو نوع است: یکی کفاره گناه و معصیت است؛ دیگری شهادت و کشتن در راه خداست. جنگیدن نیز دو نوع است: جنگیدن با کفار؛ و جنگیدن با گروه بغی، تا زمانی که به فرمان‌برداری و اطاعت امام برگردند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۲۹).<sup>۱</sup>

۲- ابن مغیره از امام جعفر صادق(ع) و ایشان از امام محمد باقر(ع) روایت نموده که گفت در نزد علی(ع) سخن از حروریه (خوارج) رفت، حضرت فرمود: «اگر آنان بر امام عادل یا بر جماعتی از مؤمنین قیام و شورش نمودند با آنان به جنگ برخیزید، اما اگر بر امام ستمگر شوریدند با آنان درگیر نشوید، چرا که آنان در این رابطه سخن و دلیلی دارند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۱۷ و ۸۱).

همانطوری که ملاحظه می‌شود، حکم موجود در آیه و روایات مطلق است و مقید به آن نشده است که در تحقق بغی و اجرای احکام آن، خروج حتماً باید از امام معصوم(ع) شکل گیرد. در روایت دوم، حضرت(ع) بین شورش علیه امام جائز و امام عادل تفصیل داده است اما اشاره‌ای به تفصیل بین امام معصوم و غیر معصوم نکرده است. لذا اطلاق این روایت از جهت نام نبردن اسمی از امام معصوم(ع)، علاوه بر شمولیت آن نسبت به خروج از اطاعت امام معصوم(ع)، خروج از امام عادل غیر معصوم(ع) را نیز شامل می‌شود. حتی اگر انصراف این اطلاقات را به امام معصوم(ع) بپذیریم، باید در نظر داشت که فلسفه مبارزه با بغی حفظ کیان اسلام و برقراری آرامش و امنیت در جامعه است که این ملاک و ضرورت در عصر غیبت نیز محقق است و مقتضی جنگ با بغات در زمان غیبت است. بر این اساس می‌توان خروج از اطاعت امام عادل غیر معصوم را نیز بغی قلمداد نمود. بی‌تردید قبول نظریه‌ی ولایت فقیه می‌تواند مقتضی شمرده-شدن خروج از اطاعت امام عادل غیر معصوم، به عنوان بغی شمرده شود؛ زیرا با توجه به ادله عقلی چون

۱. البته شبیه به مضمون این روایت با اندکی تفاوت از ابی‌البختری و او از امام جعفر صادق و ایشان نیز از امام محمد باقر(ع) نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۸۳).

دلیل حکمت الهی و ادله نقلی چون مقبوله عمرو بن حنظله «حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۱۳» و توقیع شریف امام زمان (عج) (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۱۴۰) تردیدی نیست که در زمان غیبت امام معصوم (ع) تنها فقیه جامع‌الشرایط است که از طرف خدای متعال و امام معصوم (ع) حق حکومت و حاکمیت برای او جعل شده و اذن اِعمال حاکمیت به او داده شده است و مقتضای این حکومت و وجوب اطاعت عموم افراد از حکومت و حرمت و نامشروع بودن سرپیچی از دستورات وی است. لذا از آنجایی که فقها به عنوان نواب عام امام معصوم (عج) از اختیارات امام معصوم (ع) در مقام ولایت بر جامعه اسلامی بر خوردارند، از باب تنقیح مناط قطعی می‌توان گفت: همچنانکه خروج از اطاعت امام معصوم (ع) موجب تحقق بغی و مستلزم قیام با باغیان است، در زمان غیبت نیز خروج از اطاعت امام عادل می‌تواند موجب تحقق بغی و در نتیجه مستوجب سرکوب باغیان توسط امام عادل به خاطر حفظ کیان اسلام و برقراری امنیت و آرامش در میان مردم شود.

با توجه به حدوث فضای مجازی در عصر اخیر و در محدوده زمانی عصر غیبت و از طرفی با توجه به شرط نبودن قرار گرفتن امام معصوم (ع) در رأس گروه حق، می‌توان امکان تحقق بغی در فضای مجازی را از این جهت محقق دانست.

فقها برای تحقق بغی، تنها به خروج از اطاعت امام عادل اکتفا نکرده‌اند، بلکه علاوه بر آن قیود دیگری نیز به آن افزوده‌اند که البته در این قیود با یکدیگر اختلاف نظر نیز دارند، لذا برای احراز امکان تحقق بغی در فضای مجازی، لازم است هر یک از قیود به صورت جداگانه با تطبیق بر نوع مجازی آن مورد بررسی قرار گیرد.

### ۳-۱- وجود تاویل و شبهه

باید در نظر داشت بعضی از فقها تحقق بغی را مشروط به جدایی از امام به دلیل وجود تاویل و شبهه دانسته‌اند؛ یعنی طغیانگران باید برای عمل خویش دلایل و توجیهاتی ذکر کنند. به عبارت دیگر، برخلاف جرائم عادی که اغراض مادی و سودجویانه انگیزه ارتکاب آنهاست، مبنای شورش افراد علیه حکومت و مخالفت با امام، دلایل و توجیهاتی از قبیل: انتخاب حاکم به طور صحیح نبوده، وظایف حکومتی خود را انجام نداده و ... می‌باشد و به خاطر دلایلی از این قبیل دچار انحراف و اشتباه در اجتهاد و برداشت از مسائل

اسلامی شده باشند و به تبع آن دست به قیام علیه امام بزنند. البته میان فقها در اشتراط این قید اختلاف- نظر وجود دارد. گروهی همچون شیخ طوسی (۱۳۸۷، ۷، ۲۶۵)، ابن ادریس (۱۴۱۰، ۲، ۱۵) و علامه حلی (بی تا، ۱، ۱۵۵) و تعدادی از اهل سنت (ماوردی، بی تا، ۱۶، ۳۵۸؛ ابن قدامه، بی تا، ۱۰، ۴۹؛ عوده، بی تا، ۲، ۶۷۹-۶۸۶) معتقدند که شورش باغیان باید به خاطر شک و شبهه باشد، لذا در صورتی که هیچ گونه شک و شبهه‌ایی در بین نباشد و هیچ توجیه و تاویلی برای خروج خود از اطاعت امام نداشته باشند، در زمره محارب یا قطاع‌الطریق شمرده می‌شوند (طوسی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۶۵؛ حلی، بی تا، ۱، ۱۵۵؛ کرکی، ۱۴۱۴، ۳، ۴۸۳). ولی گروهی از فقها همچون صاحب جواهر در این قید تردید نموده و می‌گوید: «ما دلیلی پیدا نکردیم برای این سخن که باید از روی شبهه و تأویل خارج شده باشند؛ بلکه واقعه صفین و جمل برخلاف آن بوده است» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۳۳-۳۳۴). با توجه به اینکه آیه قرآن و روایات وارده در رابطه با بغی عام می‌باشند، نمی‌توان دلیلی بر مدخیت این شرط در تحقق بغی یافت. گذشته از اینکه امام علی در خطبه ۱۳۷ نهج البلاغه در رابطه با خوارج فرموده است: «به خدا سوگند (طلحه و زبیر) و پیروانشان، نه منکری در کارهای من سراغ دارند که برابر آن بایستند و نه میان من و خودشان راه انصاف پیمودند. آنها حقی را می‌طلبند که خود ترک کرده‌اند و انتقام خونی را می‌خواهند که خود ریخته‌اند...».

همانطوری که ملاحظه می‌شود امام در این خطبه به ناحق بودن خروجشان اشاره کرده و به صورت صریح بیان فرمود که طلحه و زبیر با وجود اینکه حقیقت را می‌دانند، منکر آن می‌باشند، لذا این خطبه به صورت صریح دلالت بر شرط نبودن تاویل و شبهه در صدق بغی می‌کند.

در صورتی که اگر موافق با نظریه عده‌ایی از فقها، وجود تاویل و شبهه را در تحقق بغی شرط بدانیم، در تحقق بغی مجازی لازم است که در سایت‌هایی که توسط باغیان اداره می‌شود، مطالب و نوشته‌ها، فیلم‌ها و یا هر گونه قرائن دیگری که کاشف از وجود شبهه و تاویل از ناحیه مدیریت سایت‌ها است، وجود داشته باشد. حتی می‌توان نیت مدیر سایت را به صورت ایمیل و مکاتبه و یا پیام‌گذاری در بخشی که مدیر سایت برای ارسال نظرات و ارتباطات تنظیم نموده است و یا از طریق چت و ویدئوکنفرانس و دیگر راه‌های ارتباطی، احراز نمود.

### ۳-۲- منسجم و گروهی بودن باغیان و داشتن قدرت و شوکت

بسیاری از فقها، بغی را یک جرم سازمانی، متشکل و منسجم و گروهی بودن شورش را یکی از شرایط

دخیل در تحقق جرم بغی می‌دانند. بنابراین اگر شخصی خاص از اطاعت حاکم اسلامی خارج شود، آن شخص باغی محسوب نمی‌گردد و خروج فردی از اطاعت امام همچون خروج ابن‌ملجم، موجب کفر است (طوسی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۶۵؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۲، ۱۵، ابن‌حمزه، ۱۴۰۸، ۲۰۵؛ حلی، بی‌تا، ۱، ۱۵۵). صاحب‌جواهر در این زمینه می‌نویسد:

«هرگاه تعداد شورشگران کم باشند و خطر توطئه‌هایشان ضعیف و خود ناتوان باشند، حکم اهل بغی بر آنها جاری نمی‌شود و این نظریه از شافعی نیز نقل شده (رافعی قزوینی، ۱۴۱۳، ۱۱، ۸۰؛ نووی، ۱۴۲۶، ۷، ۲۷۲؛ ابن‌قدامه، بی‌تا، ۱۰، ۴۷) و بر آن چنین استدلال کرده‌اند که وقتی علی(ع) توسط ابن‌ملجم مورد حمله مسلحانه قرار گرفت، درباره وی به احسان توصیه نمود و در این مورد به امام حسن(ع) وصیت نمود: به ابن‌ملجم احسان کنید و اگر من سلامتی خود را باز یافتیم، به کار خویش آگاه ترم و اگر به شهادت رسیدیم، او را مثله نکنید (ابن‌اثیر، ۱۴۱۷، ۳، ۳۹۱؛ ابن‌قدامه، بی‌تا، ۱۰، ۴۷)» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۳۲).

قایلین به اشتراط گروهی بودن شورشگران در تحقق بغی، توصیه امام علی(ع) را کاشف از باغی شمرده نشدن ابن‌ملجم می‌دانند (حلی، ۱۴۱۴، ۹، ۴۰۶)، ولی باید در نظر داشت که احتمال آن است که توصیه آن حضرت(ع) مربوط به زمان خاص باشد، لذا دلیلی بر لزوم اکتفا به فعل امام(ع) نیست. این دسته از فقها همچنین به دلایل دیگری چون به کار گرفته شدن واژه «طایفه» در آیه ۹ سوره حجرات و واژه «فته» در سخنان پیامبر اکرم (ص) در رابطه با باغیان شامی، تمسک جسته‌اند (ابن‌حمزه، ۱۴۰۸، ۲۰۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۳۲). البته در صحت دلیل دوم تشکیک است، چرا که واژه طائفه در لغت، گذشته از صدق بر بیش از یک نفر، بر یک نفر نیز صادق است (ابن‌عربی، بی‌تا، ۴، ۱۷۱۷). در برابر نظریه فوق، بعضی از فقها از جمله علامه (۱۴۱۲، ۱۵، ۱۷۵؛ همو، ۱۴۱۴، ۹، ۴۰۶)، شهید ثانی (۱۴۱۳، ۳، ۹۱؛ ۱۴۱۰، ۲، ۴۰۷) بغی را گذشته از تحقق آن به صورت گروهی همچون اهل جمل و اهل صفین با یک نفر نیز همچون ابن‌ملجم محقق می‌دانند. هر چند فرآیند قیام علیه حکومت به صورت نوعی در صورت تشکیلات و گروهی بودن باغیان امکان‌پذیر است، ولی دلیلی بر اشتراط گروهی شکل گرفتن قیام در دست نیست. در صورت اشتراط گروهی شکل گرفتن شورش در تحقق جرم بغی، لازم است مدیریت و هدایت سایت به صورت سازمانی بواسطه گروهی از افراد شکل گیرد. نیز در صورتی که چندین نفر به صورت جداگانه مدیریت سایت‌های مختلفی را به عهده بگیرند، ولی قرائن و دلایلی بر وابستگی و ارتباط این سایت‌ها به



یکدیگر وجود داشته باشد، به طوری که بر حسب مقتضای عرف این سایت‌ها در تحقق و به ثمر رساندن هدف با یکدیگر متحدند، می‌توان گفت که بغی در فضای مجازی محقق شده است. احراز این شرط در فضای مجازی گرچه ممکن است دچار ابهام باشد، ولی می‌تواند توسط اهل خبره و گروه متخصصین فضای مجازی همچون پلیس فتا قابل احراز باشد. البته این در صورتی که افرادی که توسط این سایت‌ها بر علیه امام خروج کرده، سازمان یافته نباشند، و الا در صورتی که این افراد که توسط سایت‌ها هدایت می‌شوند و بر علیه امام قیام کرده‌اند، سازمان یافته باشند، نیازی به شرط سازمانی و گروهی شکل گرفتن هدایت سایت‌ها نیست، چرا که در این فرض بر حسب عرف هدایت‌گران سایت‌ها به خاطر شمرده شدنشان به عنوان جزیی از سازمان شورش‌گران، باغی شمرده می‌شود گرچه هدایت‌گری سایت‌ها به صورت سازمانی نباشد. لذا با اشتراط انسجام و گروهی شکل گرفتن شورش، در تحقق بغی مجازی لازم است که بر حسب مقتضای عرف شورش به صورت سازمانی و گروهی شکل گیرد، اعم از اینکه این سازماندهی توسط سایت‌ها شکل بگیرد یا توسط افرادی که تحت تأثیر این سایت‌ها بر علیه حکومت قیام نموده‌اند، صورت پذیرد.

قائلین به نظریه اول (طوسی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۶۵؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ۲، ۱۵؛ ابن‌حمزه، ۱۴۰۸، ۲۰۵)، گذشته از اشتراط انسجام و گروهی بودن شورش‌گران در تحقق بغی، معتقدند که معارضان، باید قوی و از قدرت و شوکت کافی برخوردار باشند، تا بتوانند برای حکومت خطری جدی ایجاد کند، به‌گونه‌ای که بازدارندگی و پراکنده کردن آنان، نیازمند صرف هزینه و تجهیز نیرو و اقدامات جنگی باشد؛ در صورت ضعف و ناتوانی و سستی تشکیلات در برنامه و نقشه، باغی شمرده نمی‌شوند و باید آنان را راهزن و در زمره محاربین دانست (حلی، ۱۴۱۴، ۹، ۴۱۰؛ رافعی، ۱۴۰۷، ۱۱، ۸۰، نووی، ۱۴۲۶، ۷، ۲۷۲). آنها در این مورد نیز به روش برخورد حضرت علی(ع) با ابن‌ملجم استناد نموده‌اند که آن حضرت به ملایمت با ابن‌ملجم امر نموده‌اند. منتها چنانچه گذشت دلیلی بر لزوم اکتفا به فعل امام(ع) نیست، بلکه احتمال آن است که فرمایشات آن حضرت(ع) مربوط به زمان خاص باشد. اگرچه تشکیلات در صورت داشتن قدرت و شوکت کافی به عنوان خطر برای حکومت اسلامی تلقی می‌شوند، ولی این ویژگی نمی‌تواند دلیلی بر مدخلیت این شرط در تحقق بغی شمرده شود. حتی بر فرض اعتبار این شرط، تحقق این شرط در بغی مجازی نسبت به نوع سنتی آن به طریق اولی امکان‌پذیر است، چرا که به دلیل گستردگی فضای مجازی و جهان شمولی بودن آن و از طرفی تکثر بازدید کاربران از این فضا، در بسیاری از موارد نمی‌توان منکر شوکت و قدرت

بغی مجازی و نیز منکر تحقق خطر ناشی از آن برای حکومت شد. توضیح اینکه فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی، به دلیل گستردگی در سراسر جهان، جرایم مجازی را از سایر جرایم ممتاز می‌کند. چه بسا کاربران مجرم از طریق وصل بودنشان به شبکه جهانی اینترنت می‌توانند سوژه‌های زیادی را به همراه داشته باشد، لذا شخصی که سایتی را به غرض تحقق بغی و قصد براندازی حکومت تأسیس می‌کند به خاطر وصل بودنش به شبکه جهانی اینترنتی، به مراتب می‌تواند افرادی بیشتری را نسبت به نوع سنتی از آن برای ارتکاب بغی جمع کند. جرایم کامپیوتری به دلیل ماهیت و تکنولوژی خاص، اختصاص به محیط فیزیکی معین و محدودی ندارد و به راحتی در مقیاس بین‌المللی قابل تحقق می‌باشد. مسافت، زمان و مکان مانعی برای آن به حساب نمی‌آید و حضور فیزیکی شخص در محل حادثه معنایی ندارد. به وسیله تکنولوژی کامپیوتر، باغیان با کمترین سرمایه و هزینه می‌توانند با ورود به شبکه اطلاعاتی و نفوذ در آن خسارات هنگفتی وارد نمایند. سهولت ارتکاب با حجم زیاد موضوعات مطروحه، سرعت عملکرد کامپیوتر، عدم نیاز به حضور فیزیکی مرتکب در محل و ... همگی موجب گردیده تا حجم صدمات و خسارات وارده افزون گشته و گاه به چندین برابر جرایم نوع سنتی از آن برسد. گذشته از این ویژگی‌ها، چیزی که بیش از همه از ویژگی‌های مهم این جرائم محسوب می‌شود، استمراری بودن این جرائم چون بغی در محیط مجازی است. چه بسا اینکه شورش‌گران در محیط فیزیکی حداکثر به صورت پاره وقت و محدود بتوانند جرائم خود را عملی سازند. مثلاً در محیط واقعی شخص شورش‌گر در صورتی که اگر بخواهد به صورت مکرر شورشگری را انجام دهد، طبیعتاً با سختی‌ها و محدودیت‌هایی روبرو است، لذا در بسیاری از اوقات عاری از این اعمال ننگین می‌باشد، در حالی که وقوع این اعمال در محیط مجازی بر خلاف نوع سنتی از آن، در بسیاری از موارد به صورت استمراری است به این معنا که در بغی در فضای مجازی در صورتی که شخصی به عنوان مدیر، سایت یا وبلاگی را تأسیس نماید و مطالب شورش‌انگیز را در آن جمع‌آوری نماید، در هر زمانی کاربران قربانی می‌توانند به آن مراجعه نمایند و با تحت‌قرار گرفتن افکار آنها توسط این مطالب، دست به عمل شورشانه و قیام مسلحانه بر علیه نظام بزنند و در صورتی که کاربران از این راه، دست به قیام بر علیه نظام بزنند، قطعاً مدیر سایت به واسطه مدیریت سایت‌ها و وبلاگ‌ها و به تبع آن به خاطر شمرده‌شدنش از ارکان این قیام، به عنوان باغی مسؤول این قیام بوده و مجازات باغی بر وی اجرا می‌گردد گرچه وی بر سر کامپیوتر و یا اینترنت نیز حضور نداشته باشد و مشغول اعمال دیگری همچون

غذا خوردن باشد؛ چرا که سبب اجرای مجازات و احکام بغی بر طغیانگر که بر حسب مقتضای روایات همچون روایت وهب بن وهب (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۲۹) و روایت ابن مغیره (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۱۷ و ۱۸)، خروج از اطاعت امام عادل است، در این هنگام وجود دارد که به تبع آن عنوان باغی نیز بر عامل (مدیر سایت) این خروج صادق است. به عبارت دیگر در شکل سنتی بغی از آنجایی که مبدا اشتقاق این جرم از فعلیات است، انقضا مبدأ نیز به واسطه ترک فعل صورت می‌گیرد. لذا صدق عنوان بغی به نحو سنتی فقط در جایی است که فرد به صورت فعلی و در حال حاضر به فعل بغی متلبس بوده و مشغول عمل به بغی باشد، لذا در صورتی که باغی مشغول بغی و خروج مسلحانه از اطاعت امام عادل نباشند، نمی‌توان عملش را بغی دانست. در حالی که در بغی مجازی کافی است که مدیر سایت مطالبی را که باعث تشویش اذهان و به تبع آن باعث شورش مسلحانه علیه نظام می‌شود، در سایت‌ها و صفحات مجازی قرار دهد، که در این صورت تا زمانی که سایت فعال و بازدید از آن برای کاربران امکان‌پذیر است، مدیر سایت به عنوان باغی شمرده می‌شود. بغی در این فرض تنها در صورتی می‌توان پایانی را برای آن تصور نمود، که مدیر سایت، آن سایت و مطالب موجود تشویش‌آمیز در صفحات مجازی را پاک کند که تنها در این فرض می‌توان گفت که مبدا از ذات منقضی شده است. لذا حالت استمراری بودن بغی در محیط مجازی در کنار فراگیر بودن آن چه بسا می‌تواند از جمله ویژگی‌های مهم بغی در فضای مجازی محسوب شود. نیز پیچیده‌گی‌های خاص در فضای مجازی که آن را دنیای بیکرانی از امکانات و قابلیت‌های بی‌شمار جلوه می‌دهد، باعث می‌شود که بدون محدودیت، در دسترس همگان قرار گیرد و هر کس با هر انگیزه‌ای می‌تواند از آن استفاده کند. این حجم گسترده از امکانات؛ قدرت پیچیده کردن نحوه ارتکاب جرم و گمنام کردن هویت مجرم و همچنین نحوه اثبات مجازات و ... را افزایش می‌دهد، که این خود دستگیری و تعقیب و اجرای مجازات بر مجرمان را دشوار ساخته است. در نتیجه با توجه به فراملی و بین‌المللی بودن جرم بغی در فضای مجازی و نیز حالت استمراری بودن آن در این فضا و به تبع آن گستردگی سوژه‌ها و تکرار کاربران قربانی و بازدهی بیشتر این جرم در فضای مجازی نسبت به نوع سنتی آن و پیچیدگی آن در فضای مجازی، قطعاً بغی در فضای مجازی می‌تواند به مراتب قوی‌تر از بغی در فضای واقعی صورت گیرد و طبیعتاً مستلزم هزینه‌های زیادتری برای مقابله، نسبت به نوع سنتی از آن باشد.

### ۳-۳- مسلحانه بودن شورش

یکی از شرایط جنگ و مقابله با بغات و سرکوب کردن آنها، آن است که باغیان دست به قیام

مسلحانه و درگیری فیزیکی بزنند، از این رو صرف ابراز عقیده و ایجاد تشکل و اجتماع به منظور اعلام نظریات ضد حکومتی، تا زمانی که عملاً منجر به قیام مسلحانه نشده است، بغی محسوب نمی‌شود و دولت اسلامی نیز در جهت سرکوب آنها اقدامی نمی‌کند (کرکی، ۱۴۱۴، ۳، ۴۳۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۲۴؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۱۳، ۱۰۷). منتها باید در نظر داشت، اگرچه ممکن است حرکت شورشگران در اکثر موارد به صورت مسلحانه باشد، ولی دلیلی بر انحصار این حرکت در قالب سلاح نیست، زیرا مقتضای اطلاق آیات و روایات شامل شورش غیرمسلحانه نیز می‌شود. حتی اگر مقتضای روایاتی چون روایت دعائم الاسلام (مغربی، ۱۳۸۵، ۱، ۳۹۳)<sup>۱</sup> را منصرف به قیام مسلحانه شورشگران بدانیم، باید در نظر داشت:

**اولاً:** این دسته از روایات تنها از باب مثال و بیان مورد غالب است، چرا که در اکثر موارد خروج از اطاعت امام و براندازی حکومت، بواسطه سلاح است، زیرا مناسبات بین حکم و موضوع که عرفاً از امثال این روایات فهمیده می‌شود، به الغای مسلح بودن باغی حکم می‌کند؛ یعنی بر اساس مناسبات حکم و موضوع، ارتکازات عقلائیه و عرف مقتضی آن است که مسلحانه شکل گرفتن قیام در لسان پاره‌ای از روایات، ظهور در تقیید موضوع یعنی بغی نمی‌تواند داشته باشد، بلکه مناسبات بین حکم و موضوع که ناشی از ارتکازات عقلائیه و عرف است بواسطه کاشفیت مناط خروج از اطاعت امام عادل و قیام علیه او، در ایجاد موضوع، جلوی این ظهور را گرفته و ظهور دیگری را پدید آورده است، به اینکه هر چیزی که باعث خروج از اطاعت امام عادل و قیام علیه او شود گرچه سلاح نیز نباشد، می‌تواند باعث تحقق عنوان بغی گردد. بر این اساس با توجه به آنچه آمد، شکل گرفتن قیام به صورت مسلحانه، نمی‌تواند هیچ‌گونه موضوعیتی را به همراه داشته باشد، خصوصاً با ملاحظه این نکته که آیات و احادیث شریفه، در مقام بیان حکم الهی کلی و عام برای همه زمان‌ها و مکان‌ها هستند و به نحو قضایای حقیقیه وارد شده‌اند چرا که اصل و معیار بنیادین بر آن است که احکام در سیستم تشریح الهی همیشه از قضایای حقیقیه و با ویژگی فراگیر و شمول زمانی و مکانی‌اند مگر اینکه شارع به گونه‌هایی موقتی بودن آن را ابراز کند و به اطلاع همگان برساند که در این صورت اصطلاحاً به آن نسخ گویند. برای اینکه زمانی که یک حکم فراگیر زمانی و مکانی تشریح شود، شارع همه مصداق‌های موجود یا مصداق‌هایی که به وجود خواهند آمد را در نظر می‌گیرد و با استفاده از

۱. تبیین این روایت در شرط چهارم خواهد آمد.

قضیه حقیقیه، حکم را انشاء می‌کند. بر این اساس از جمله واضحات است که کیفیت خروج از اطاعت امام و ابزارهای آن از زمانی به زمان دیگر و یا حتی از مکانی به مکان دیگر همواره می‌تواند متغیر باشد. بنابراین حتی بر فرض پذیرش انصراف روایات به قیام مسلحانه در تعدادی از روایات، از آنجایی که منشأ این انصراف غلبه است، نمی‌تواند معتبر باشد، چرا که در علم اصول ثابت شده است که غلبه وجودی، منشأ انصراف نمی‌شوند و اگر انصرافی باشد، بدوی است که به زودی زایل می‌شود (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۷۲؛ جزائری، ۱۴۱۵، ۱، ۴۵۳-۴۵۴؛ ایروانی، ۱۳۷۰، ۱، ۱۰۰؛ موسوی حائری، بی‌تا، ۲۴۰). از طرفی با احتساب مناسبت بین حکم و موضوع می‌توان گفت: استفاده از هر ترفندی که سبب خروج از اطاعت امام و براندازی حکومت شود گرچه خروج مورد نظر بواسطه سلاح صورت نگیرد، موجب تحقق بغی می‌شود. نظریه عدم اشتراط سلاح در تحقق مفهوم بغی در میان نویسندگان سابقه نیز دارد (مرعشی، ۱۳۷۱، ۷۰). حتی برخی از صاحب‌نظران، اقدام مسلحانه علیه حکومت را در زمره محاربه شمرده و اقدام غیرمسلحانه به هدف براندازی حکومت را تحت مفهوم بغی دانسته‌اند (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ۳، ۳۳۵-۳۳۶). با نپذیرفتن قید مسلحانه شکل گرفتن شورش، می‌توان بغی را در فضای مجازی متصور دانست.

**ثانیا:** بر فرض مشروط بودن بغی به خروج مسلحانه، با توجه به اینکه امروزه فضای مجازی به عنوان پل ارتباطی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی به رسانه ای قابل دسترس و فراگیر تبدیل شده است، رسانه‌های نوین با در دست گرفتن افکار عمومی، کنترل و هدایت آن و همچنین تهییج و به کارگیری آن نقش جدی در عرصه قدرت بازی می‌کنند، لذا در صورتی که گرداننده سایت با تشویش اذهان مردم، موجب قیام مسلحانه آنها بر علیه نظام شود، از آنجایی که وی به واسطه این عمل از ارکان موجبات قیام در نظر گرفته می‌شود، می‌توان عمل وی را در عین آنکه مسلح نیست بلکه نقش هدایتگری افکار و آماده سازی مردم برای قیام مسلحانه را دارا می‌باشد، بغی قلمداد نمود، زیرا در صدق قیام مسلحانه نیازی نیست که تک تک افراد گروه مسلح باشند بلکه حتی اگر تنها تعدادی از آنها مسلح باشند به طوری که بر حسب عرف گفته شود که گروهی بر علیه نظام دست به قیام مسلحانه زده‌اند، در تحقق بغی کافی است. توضیح اینکه بر فرض استنباط اشتراط مسلحانه بودن قیام از روایات، در آن روایات مشخص نشده است که آیا در صدق این قیام مسلحانه، مسلح بودن تک تک افراد شرط است یا نه؟ در این صورت می‌توان معیار صدق قیام مسلحانه را به عرف واگذار نمود، زیرا تردیدی نیست که اگر شارع مقدس معنای خاصی را از یک لفظ اراده کرده و آن را بیان نموده باشد باید همان معنای شرعی را مورد توجه قرار داد و در این صورت معنای

شرعی واژه بر معنای عرفی و لغوی آن مقدم خواهد بود (شریف مرتضی، ۱۳۶۳، ۱، ۱۵-۱۶). در غیر این صورت، به عقیده همه صاحب‌نظران، برای فهم معنای واژه‌ها باید به عرف (عرف لفظی یا قولی) مراجعه کرد (موسوی خویی، ۱۳۸۰، ۳، ۲۳۸؛ موسوی بجنوردی، بی‌تا، ۲، ۴۸۷). با حفظ این مطلب از نظر عرفی در این فرض (از اینکه مدیریت سایت با تشویش اذهان مردم موجب قیام مسلحانه بر علیه نظام شوند و نقش موثری را در این قیام داشته باشند) قیام به صورت مسلحانه بر آنها نیز صدق می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۳-۴- خارج شدن از حوزه اقتدار نظام

یکی از شرایط تحقق بغی به تصریح عده‌ای از فقها آن است که شورشیان تحت نظارت و اقتدار امام و نظام حکومت اسلامی خارج شوند و در آبادی و یا بیابانی گرد آیند، به گونه‌ایی که امام به آنها دسترسی نداشته باشد. بنابراین چنانچه در قبضه امام و تحت نظارت و نفوذ و سیطره او باشند، باغی شمرده نخواهند شد (طوسی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۶۵؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۰۵؛ حلی، ۱۴۱۴، ۹، ۴۰۷). طرفداران این نظریه به روایت منقول از دعائم الاسلام استناد جسته‌اند. مطابق با مضمون این روایت، امام علی (ع) در مسجد، مشغول سخنرانی بود که مردی از خوارج با قطع سخن آن حضرت، و در اعتراض به قضیه حکمیت، خطاب به آن حضرت گفت: «لا حکم الا لله، امام در پاسخ فرمود: سخن شما حق است، ولی از آن اراده باطل شده است. شما بر ما، سه حق دارید: یکی اینکه مانع عبادت شما در مساجد خدا نشویم، دیگر آنکه، مادامی که دست شما با ماست، مانع برخورداری شما از فیء [و بیت‌المال] نگردیم و سوم آنکه آغازگر جنگ با شما نباشیم» (مغربی، ۱۳۸۵، ۱، ۳۹۳). عبارت «مَا كَانَتْ أَيْدِيكُمْ مَعَ أَيْدِينَا؛ مادامی که دست شما با ماست» به روشنی

۱. نظر قانونگذار در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ می‌تواند به عنوان موید گفتار ما در نظر گرفته شود. با وجود اینکه قانونگذار همچون مشهور فقها در باب محاربه، قید سلاح در تحقق محاربه را شرط می‌داند، با این حال در ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در این زمینه تصریح داشته است: «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادامی که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند محاربتند اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند» همانطوری که ملاحظه می‌شود عبارت اخیر ماده «گرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشد»، مسلح بودن تک تک افراد را شرط نمی‌داند، بلکه صدق قیام به صورت مسلحانه را شرط می‌داند. با این اوصاف صدق قیام مسلحانه یا برداشتن اسلحه و مقابله با حکومت اسلامی است و یا فعالیت و تلاش مؤثر به این گروه مسلح در جهت رسیدن به هدف می‌باشد. از جمله واضحات که برداشت قانونگذار در اشتراط قید سلاح در تحقق محاربه، عرفی است.

می تواند دلالت داشته باشد که شورشیان تا زمانی که تحت اقتدار امام باشند، به عنوان باغی شمرده نمی-شوند، لذا عبارت « مَا كَانَتْ أَيْدِيكُمْ مَعَ أَيْدِينَا » به معنای «لستم منفردین» می باشد (حلی، ۱۴۱۴، ۹، ۴۰۷)، منتها باید در نظر داشت که این روایت مرسله است و نمی تواند ارزش استنادی داشته باشد، در نتیجه دلیلی بر وجود این شرط در تحقق بغی نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۳۲).

گرچه ادله متقنی در اعتبار این شرط نیست، ولی حتی بر فرض پذیرش این شرط، تحقق این شرط در فضای مجازی نیز ممکن است، از اینکه افراد مسلّحی که توسط هدایتگران و مدیران سایتها و وبلاگ-های انحرافی دچار تزلزل و انحطاط فکری شده اند، به قصد براندازی حکومت از تحت سیطره و نفوذ حاکم خارج شده و در خارج از نظارت حاکم در بیابان و سایر امکنه گرد هم جمع شوند، و نیز هدایتگران سایتها و وبلاگها در فضای مجازی نیز در خارج از سیطره و نفوذ امام بواسطه مدیریت سایتها و وبلاگها و با استفاده از قابلیتها و امکانات این فضا، موجبات کجرویها و قیام این دسته از افراد را بر علیه نظام اسلامی فراهم کنند. بنابراین هدایتگران سایتها و وبلاگها نیز در این فرض می توانند در زمره باغیان به شمار آیند. با توجه به گستردگی و فراگیری فضای مجازی و شمولیت جهانی آن و قرار گرفتن اینترنت به عنوان شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات و در پی داشتن این فناوری جدید، رفع محدودیتها و موانع انتشار را و از طرفی گره خوردن فضای مجازی با زندگی افراد و تحت تأثیر قرار گرفتن مردم جامعه توسط اینترنت در زندگی روزمره- که می تواند از عوامل مهم منجر به بروز انحرافات فکری کاربران شود- هدایتگری سایتها و وبلاگها در فضای مجازی در خارج از مناطق تحت نفوذ امام به مراتب نسبت به نوعی سنتی از آن، آسانتر صورت می گیرد.

#### ۴- احکام شرعی باغیان در فضای مجازی

مراد از احکام شرعی باغیان، یک سری از احکامی است که لازم است بر علیه باغیان اجرا شود. در رابطه با وجوب مبارزه با باغیان علاوه بر اجماع و ادعای عدم خلافتی که از ناحیه برخی از فقها مطرح شده است (طوسی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۶۳؛ حلی، ۱۴۱۲، ۱۵، ۱۷۱؛ حلی، ۱۴۱۴، ۹، ۳۹۱ و ۳۹۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۳۴)، آیاتی از قرآن کریم نیز بر آن دلالت دارند. آیه ۹ سوره حجرات مهمترین مستندی است که صاحب نظران در رابطه با احکام بغی به آن استناد جسته اند (طبرسی، ۱۳۵۰، ۱۳۲-۱۳۳؛ جصاص، ۱۴۰۵، ۵، ۲۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱، ۳۲۳؛ جزیری و جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۹، ۵، ۴۱۷) گذشته از این آیه، آیه ۱۲

سوره توبه<sup>۱</sup> از جمله آیات دیگری است، که امام علی (ع) در وجوب جنگ با باغیان به آن استناد نموده است (قمی، ۱۴۰۴، ۱، ۲۸۳).<sup>۲</sup> علاوه بر آیات، روایات متعددی نیز بر وجوب جنگ با باغیان دلالت می‌کند، که از جمله آنها می‌توان به روایاتی چون وهب بن وهب (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۲۹) و ابن مغیره (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۱۷ و ۸۱) که البته تبیین آنها گذشت، اشاره نمود.

البته جنگ با باغیان تنها در صورتی است که ارشاد آنان از راه بحث و اقامه حجت و دلیل ممکن نباشد (حلی، ۱۴۱۴، ۹، ۴۱۶ و ۴۲۱؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۷۱). از جمله روایاتی که می‌تواند به عنوان مستند این حکم در نظر گرفته شود، روایتی است که امام علی (ع) عبدالله بن عباس را به نهروان فرستاد تا خوارج را به اهل عدل دعوت کند (مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ۹۰، ۱۵؛ کاسانی، ۱۴۱۷، ۶، ۱۲۷).

جنگ با باغیان با توجه به یک سری از روایات دارای احکام خاصی است؛ به این صورت که باغیان به دو صورت دارای تشکیلات و فاقد تشکیلات و سازماندهی تقسیم می‌شوند که حکم هر یک از این دو قسم با دیگری متفاوت است. در صورتی که شورشگران دارای پایگاه و تشکیلات باشند که پس از اتمام جنگ به آنجا برگردند همچون اصحاب صفین، تعقیب فراریانشان واجب است و حکم مجروحان و اسیران آنها نیز اعدام است. اما شورشیانی که پایگاه و تشکیلاتی ندارند همچون اصحاب جمل، فراریان آنها تعقیب نشده، مجروحان و اسیرانشان کشته نمی‌شوند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱، ۳۰۷؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۰۱؛ حلی، ۱۴۱۴، ۹، ۴۲۱-۴۲۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۲، ۴۰۷-۴۰۸؛ ابن قدامه، بی‌تا، ۱۰، ۶۰). مستند این احکام یک دسته از روایات است که از جمله آنها می‌توان به روایت ذیل اشاره نمود:

حفص بن غیاث نقل می‌کند که از امام صادق (ع) درباره‌ی دو گروه از مؤمنان سؤال کردم که یک گروه، عادل هستند و گروه دیگر شورشگر و متجاوز و گروه عادل گروه متجاوز را شکست می‌دهد. امام (ع) فرمود: اهل عدل (یعنی گروه عادل) حق ندارند فراریان بغات را تعقیب کنند و اسیران و مجروحان‌شان را بکشند و این در صورتی است که از گروه باغی، نیرویی و تشکیلاتی باقی نمانده باشد که مجدداً به آن سازمان برگردند و دوباره نیروهای خود را بازسازی و سازماندهی کنند. ولی در صورتی که بغات به صورت

۱. وَ إِن نَّكثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ - وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ - إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ .  
 ۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَوْمَ الْجَمَلِ وَاللَّهِ مَا قَاتَلْتُ هَذِهِ الْفِئَةَ النَّائِكَةَ - إِلَّا بِأَيِّهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ اللَّهُ «وَ إِن نَّكثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ - وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ إِلَىٰ آخِرِ الْآيَةِ»



سازمانی و گروه داشته باشند که افراد بازمانده و متفرقه به آنجا بروند، در این صورت اسیر آنها به قتل می‌رسد و فراریان آنها تعقیب و مجروحان‌شان کشته می‌شوند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۷۳-۷۴).

تمامی این احکام در رابطه با بغی در فضای مجازی نیز می‌تواند قابل اجرا باشند، به این صورت که امام قبل از جنگ با باغیان مجازی، به واسطه اقامه حجج و ادله مختلف از طرق مختلف ارتباطی همچون ایمیل، لایک نمودن، ویدئو کنفرانس، چت و یا از طریق شبکه‌های اجتماعی چون تلگرام، اینستاگرام، وایبر، توئیتر، واتس‌آپ و دیگر امکانات فضای مجازی و یا فرستادن افراد به مقر آنها، در ارشاد و راهنمایی آنها نهایت سعی و تلاش خود را به کار گیرد. در صورتی که امکان قانع کردن باغیان مجازی از طریق مذاکره و اقامه برهان ممکن نباشد، امام می‌تواند با آنها وارد جنگ شود. در این هنگام در فرضی که باغیان دارای مقر و تشکیلات باشند، امام مجروحان و اسرا و فراریان آنها را پس از تعقیب می‌کشد و در فرضی که فاقد تشکیلات باشند، فراریان را تعقیب نکرده و اسرا و مجروحان را نیز نمی‌کشد.

بر این اساس گذشته از امکان بغی در فضای مجازی، هیچ منعی در قابلیت اجرای احکام بغی بر باغی مجازی نیست و امام در این موارد، در احراز بغی از طریق فضای مجازی و برقراری ارتباط با باغیان مجازی پیش از جنگ و نیز در زمان جنگ با آنان، می‌تواند از انظار اهل خبره و کارشناسان فضای مجازی همچون پلیس فتا کمک گیرد.

### ۵- ادله مشروعیت اجرای احکام بغی بر باغیان مجازی

پس از اثبات وقوع بغی در فضای مجازی و قابلیت اجرای احکام بغی در فضای مجازی، پرسشی که در اینجا مطرح است اینکه آیا می‌توان مجازات و احکام شرعی جرم بغی در فضای مجازی را، همان مجازات و احکام شرعی نوع سنتی از آن دانست؟ در صورتی که اگر فضای مجازی را بتوان به عنوان بازتابی از عملکردهای جهان واقعی دانست، به راحتی می‌توان، مجازات و احکام جرم مزبور را همچون مجازات و احکام نوع سنتی از آن دانست. لذا مهمتر از همه، اثبات همترازی دنیای مجازی با دنیای واقعی است. در این قسمت از مقاله به ادله همترازی دنیای مجازی با دنیای واقعی که نتیجتاً اتحاد مجازات و احکام جرم بغی در هر دو فضا را در پی دارند، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۱- مقتضای قاعده اولیه

باید دانست با وجود حاکمیت قاعده درء<sup>۱</sup> و بنای حدود بر تخفیفات<sup>۲</sup> و از همه مهمتر احتیاط در دماء، مقتضای قاعده اولیه در صورت نبودن ادله کافی و قانع کننده، سقوط اجرای احکام و مجازات بغی از مجرم است و چیزی که بیش از همه می‌تواند مؤید گفتار ما باشد اینکه مقتضای اصل برائت نیز از جهت بودن شک در اصل تکلیف، سقوط اجرای احکام و مجازات بغی و همسو بودن مقتضای این اصل از حیث نتیجه با ادله مذکور است. حداکثر اینکه از باب «لکل اثم تعزیر» مجازات تعزیر ثابت است که میزان آن بستگی به نظر حاکم دارد.

### ۵-۲- مقتضای قاعده ثانویه

به نظر می‌رسد که با اثبات امکان بغی در فضای مجازی، جای شک و شبهه‌ای در اجرای احکام شرعی نوع سنتی از بغی بر بغی مجازی نمی‌باشد و وسیله در تحقق این جرم تأثیری نخواهد داشت. از ادله ثانوی که می‌توان به واسطه آن احکام و مجازات بغی سنتی را برای بغی مجازی اثبات نمود، تمسک به عمومات آیات و روایاتی است که در باب بغی وارد شده است. با تمسک به اطلاق ادله لفظیه‌ای چون آیات و روایات وارده شده در رابطه با بغی، جایگاهی برای موضوع قواعدی چون قاعده درء و قاعده بنای حدود بر تخفیفات و احتیاط در دماء باقی نمی‌ماند، بلکه اصالت الاطلاق که برگشت به اصالت الظهور می‌کند، وارد بر این قواعد می‌باشند، چرا که با وجود دلیلی چون اصالت الاطلاق، هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند تا به قواعد مزبور تمسک شود، لذا تمسک به قواعد مزبور از باب سالبه به انتفای موضوع منتفی است. همچنین اصل برائت نیز به عنوان ادله فقهاتی تنها در صورتی می‌تواند به عنوان دلیل قرار گیرد که ادله اجتهادی اصاله الاطلاق که از جمله ادله لفظیه شمرده می‌شوند، در مقابل آن قرار نگیرد. تبیین این مطلب

۱. البته باید در نظر داشت که جریان قاعده درء «تدرأ الحدود بالشبهات» در صورتی است که مجازات باغیان حد شمرده شود. اما در صورتی که این مجازات تعزیر شمرده شود-چنانچه مقتضای ظاهر عبارات اکثریت علما از جهت درج نمودن بحث از بغی در باب جهاد و نیابردن آن در باب حدود، شمرده شدن بغی در زمره تعزیرات است- در این صورت در رابطه با جریان قاعده درء در مورد جرم بغی اختلاف نظر است. گروهی از فقها همچون مجلسی اول (۱۴۰۶، ۱۰، ۲۲۹) قاعده درء را در تعزیرات نیز جایز دانسته اند، در حالی که گروه دیگر چون خوانساری (۱۴۰۵، ۴۲، ۷)، آن را جاری ندانسته اند.

۲. البته در صورتی که مجازات بغی، حد شمرده شود.

بدین تقریب است:

خداوند تبارک و تعالی در آیاتی چون: آیه ۹ سوره حجرات و آیه ۱۲ سوره توبه، و ائمه معصومین (ع) در روایاتی چون: روایت وهب بن وهب (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۲۹) و روایت ابن مغیره (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۱۷ و ۸۱) - جنگ با باغیان را واجب می‌دانند و در روایاتی همچون روایت عبدالله بن عباس (مجلسی دوم، ۱۴۱۰، ۹۰، ۱۵) و روایت حفص بن غیاث (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵، ۷۳-۷۴) اجرای یک سری از احکام - از جمله قانع کردن باغیان تا حدالامکان و جنگ با باغیان در صورت قانع نشدن آنان و تعقیب فراریان و کشته شدن اسرا و مجروین توسط امام در صورتی که باغیان دارای مقرّ و تشکیلات باشند و عدم تعقیب فراریان و نکشتن اسرا و مجروحان در صورتی که باغیان دارای تشکیلات نباشند - از ناحیه امام بر علیه باغیان واجب است. این احکام اختصاص به باغیان در فضای واقعی ندارد بلکه همانطوری که گذشت شورش‌گران از طریق اینترنت و در فضای مجازی نیز قادر به عمل بغی می‌باشند و هیچ منعی در اجرای احکام و مجازات بغی بر آنها نیست، بلکه بغی در فضای مجازی قابلیت اجرای احکام بغی سنتی را دارا می‌باشد، لذا اطلاق این ادله شامل باغیان مجازی نیز می‌شود. توضیح بیشتر اینکه قضایا بر دو قسم است: قضیه خارجیّه و قضیه حقیقیّه. در دانش اصول فقه، به قضایایی که دایره عمل به مضمون آنها، منحصر در زمان، مکان و مخاطب خاصی نیست، قضیه حقیقیه گفته می‌شود. موضوع در این دسته از قضایا، عنوان و طبیعت است، بدون اینکه افراد خارجی آن در نظر گرفته شوند (نائینی، ۱۳۵۲، ۱، ۴۴۱؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۳، ۱، ۱۵۷). اما قضایای خارجیه قضایایی هستند که حکم نسبت به افراد موجود در خارج ثابت باشد. در قضیه خارجیه، فقط مخاطبان و مشافهان مشمول حکم این قضایا می‌باشند، در حالی که قضایای حقیقیه با توجه به اینکه افراد مد نظر نیستند، بلکه ملاک حکم کلی است که حکم بر آن حمل شده است (نائینی، ۱۳۵۲، ۱، ۲۷۶)، تمامی افراد اعم از حاضر و غایب و معدوم را شامل می‌شود (همو، ۱۳۵۲، ۱، ۴۹۰). در مجموع می‌توان گفت که تمامی احکام شرعی، به جز خصائص نبی، از نوع قضایای حقیقیه است (همو، ۱۳۵۲، ۲، ۵۱۴). حتی در صورتی که در نپذیرفتن این مطلب پافشاری شود، اصل اولی در هنگام شک در شمرده شدن قضیه به عنوان حقیقی یا اعتباری، حقیقی بودن آن قضیه است، چرا که دین اسلام دین جهان شمول است، و اجرای دستورات آن بر همه افراد اعم از غایب و حاضر و معدوم در تحت هر زمان و مکانی واجب است چنانچه می‌توان این نکته را از روایاتی که به طور صریح دستورات دینی بر همگان واجب می‌داند، احراز نمود. از جمله این روایات، می‌توان به روایت «... عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ

اللَّهُ (ع) عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبْدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ أَبْدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۵۸) و روایت «قَالَ (ص) حُكْمِي عَلَى الْوَاحِدِ حُكْمِي عَلَى الْجَمَاعَةِ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ۱، ۴۵۶) اشاره نمود. با توجه به این مطلب می‌توان گره بسیاری از مسائل مستحدثه را با توجه به اینکه احکام شرعی به شکل قضایای حقیقیه است، با تمسک به اتصالات و عمومات می‌توان باز نمود؛ البته تا زمانی که دلیلی بر تقیید یا تخصیص آن وجود نداشته باشد. در مسأله حاضر نیز با در نظر گرفتن آیات و روایات وارده در رابطه با احکام جرم بغی و با توجه به ورود این آیات و روایات به نحو قضایای حقیقیه، می‌توان به اطلاق آنها در احکام نوع مجازی از این جرم نیز تمسک نمود.

### ۶- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این تحقیق آمد، می‌توان گفت:

**اولاً:** فقها با استناد به یک سری از ادله در تحقق بغی، شرایطی را لازم دانسته‌اند که عبارتند از: خروج از اطاعت امام عادل، وجود تأویل و شبهه، منسجم و گروهی بودن باغیان و داشتن قدرت و شوکت، مسلحانه بودن شورش و خارج شدن از حوزه اقتدار نظام. هر چند ادله معتبری بر اشتراط هیچ یک این امور غیر از اولی نیست، ولی حتی بر فرض پذیرش تمامی این شروط، با توجه به امکان وجود این شروط در فضای مجازی، می‌توان بغی در فضای مجازی را ممکن دانست.

**ثانیاً:** بغی در فضای مجازی صلاحیت برای اجرای احکام بغی را دارا می‌باشد. منظور از احکام بغی، یک دسته از احکامی است که بر باغیان جاری می‌شود. از جمله این احکام وجوب جنگ با باغیان و تعقیب فراریان و کشتن اسرا و مجروحین باغیان در صورت داشتن تشکیلات و تعقیب نکردن فراریان و نکشتن اسرا و مجروحین در صورتی که باغیان فاقد تشکیلات و مقر باشند.

**ثالثاً:** هر چند مقتضای اصل اولی را می‌توان با توجه به ادله‌ایی چون قاعده درء و بنای حدود بر تخفیفات و احتیاط در دماء و یا با توجه به مقتضای اصل برائت، اجرا نکردن احکام بغی بر باغی مجازی دانست، منتها مقتضای قاعده ثانویه با توجه به ورود اتصالات آیات و روایات دلالت‌کننده بر احکام بغی بر این ادله و صدور این آیات و روایات به نحو قضیه حقیقیه، اجرای احکام بغی بر باغی مجازی است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، (۱۴۰۹)، کفایه الأصول، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵)، عوالی اللثالی، دار سید الشهداء، قم.
۵. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۱۷)، الکامل فی التاریخ، دارالکتب، بیروت.
۶. ابن ادریس، محمد بن منصور، (۱۴۱۰)، السرائر، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۷. ابن حمزه، محمد بن علی، (۱۴۰۸)، الوسیله، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم.
۸. ابن زهره، حمزه بن علی، (۱۴۱۷)، غنیه النزوع، مؤسسه امام صادق (ع)، قم.
۹. ابن عربی، محمد بن عبدالله، (بی تا)، احکام القرآن، بی نا، بی جا.
۱۰. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (بی تا)، المغنی، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۱. ایروانی، علی، (۱۳۷۰)، النهایه فی شرح الکفایه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۱۲. جزائری، سید محمد جعفر مروج، (۱۴۱۵)، منتهی الدراییه فی توضیح الکفایه، مؤسسه دارالکتب، قم.
۱۳. جزیری، عبد الرحمن و جمعی از نویسندگان، (۱۴۱۹)، الفقه علی المذاهب الأربعة، دار الثقلین، بیروت.
۱۴. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵)، احکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح، دار العلم، بیروت.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۱۷. حسینی روحانی، سید صادق، (۱۴۱۲)، فقه الصادق (ع)، دار الکتب، قم.
۱۸. حسینی روحانی، سید محمد، (۱۴۱۳)، منتقی الاصول، دفتر آیت الله سید محمد حسینی شیرازی، قم.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف، (بی تا)، تحریر الأحکام، مؤسسه آل البيت، مشهد.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴)، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۲)، منتهی المطلب، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد.
۲۲. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵)، جامع المدارک، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۲۳. رافعی، عبدالکریم بن محمد، (۱۴۱۷)، العزیز شرح الوجیز، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم، لبنان.
۲۵. راوندی، سعید بن عبدالله، (۱۴۰۵)، فقه القرآن، کتابخانه آیة الله مرعشی، قم.
۲۶. شریف مرتضی، علی بن حسین، (۱۳۶۳)، الذریعه الی اصول الشریعه، دانشگاه تهران، تهران.
۲۷. شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۰)، اللمعه، دار التراث، بیروت.
۲۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضه البهیة، کتابفروشی داوری، قم.

۲۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۳)، مسالک‌الافهام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۹۵)، مجمع البیان، منشورات اسلامی، تهران.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط، المکتبه المرتضویه، قم.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰)، النهایه، دار الکتب العربی، بیروت.
۳۳. عباسی، مجید، و مرادی، حسین، (۱۳۹۴)، جنگ سایبر از منظر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، مجلس و راهبرد، شماره ۸۱.
۳۴. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۴۲۱)، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۳۵. عوده، عبدالقادر، (۱۴۱۳)، التشریح الجنائی الاسلامی، دارالکتب العربی، بیروت.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، تفسیر القمی، دار الکتب، قم.
۳۷. کاسانی، ابی بکر بن مسعود، (۱۴۱۷)، بدائع الصنائع، داراحیاء، بیروت.
۳۸. کافی الکفاه، صاحب بن عباد، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغه، عالم الکتب، بیروت.
۳۹. کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴)، جامع المقاصد، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، کافی، دار الکتب الإسلامیه، تهران.
۴۱. ماوردی، علی بن محمد (بی‌تا)، الحاوی الکبیر، دارالفکر، بیروت.
۴۲. مجلسی اول، محمدتقی، (۱۴۰۶)، روضه المتقین، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم.
۴۳. مجلسی دوم، محمدباقر، (۱۴۱۰)، بحار الأنوار، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت.
۴۴. محقق اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائده، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۴۵. محقق حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۴۶. مرعشی، محمد حسن، (۱۳۷۱)، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، تهران.
۴۷. موسوی بجنوردی، سید حسن آقابزرگ، (بی‌تا)، منتهی الاصول، مکتبه بصیرتی، قم.
۴۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، مصباح الاصول، نشر الفقاهه، قم.
۴۹. مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵)، دعائم الإسلام، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم.
۵۰. موسوی حائری، مصطفی محسن، (بی‌تا)، نهایه الوصول الی کفایه الاصول، مطبعه الآداب، نجف.
۵۱. نائینی، محمد حسین، (۱۳۵۲)، أجود التقريرات، مطبعه العرفان، قم.
۵۲. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام، دار احیاء، بیروت.
۵۳. نووی، یحیی بن شریف، (۱۴۲۶)، روضه الطالبین، دارالفکر، بیروت.